

درگذشتگان

درگذشت آیت الله فاضل بهسودی



حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج سید ابوالحسن فاضل بهسودی، یکی از علمای معروف و چهره های مشهور جهادی افغانستان به شمار می رفت. وی در سال ۱۳۱۹ ش (۱۳۵۹ق)، در کُجَباب بهسود- از توابع استان میدان- در یک خانواده روحانی زاده شد و تحصیلات ابتدایی و مقدمات علوم دینی را در همانجا فرا گرفت و پس از بازگشت آیت الله شهید سید محمد سرور واعظ -صاحب مصباح الاصول (تقریرات درس آیت الله خوئی)- و تأسیس حوزه علمیه محمدیه در کابل، بدان شهر

شتافت و باقیمانده سطوح را نزد آن مرد بزرگ فرسرا گرفت و در ردیف یکی از شاگردان ممتاز وی درآمد. فقید سعید در سال ۱۳۴۹ ش رهسپار نجف اشرف گردید و در درس آیات عظام: سید ابوالقاسم خوئی و سید محمد باقر صدر شرکت جست و مبانی فقهی و بنیة علمی اش را استموار ساخت و همزمان به تدریس رسائل و مکاسب پرداخت و شاگردانی را تربیت کرد. او در نجف با الهام از رهنمودهای حضرت امام و آیت الله صدر، به تلاش برای اصلاح امور امت اسلامی پرداخت و با بسیاری از جریان های مبارز اسلامی در کشورهای مسلمان ارتباط عمیق برقرار نمود و پس از کودتای مارکسیستی و اشغال نظامی افغانستان، به تلاش در جهت حمایت حوزه علمیه و مراجع نجف از جهاد اسلامی افغانستان پرداخت (که در نتیجه آن، آیت الله العظمی خوئی و آیت الله صدر فتوای وجوب جهاد و حمایت مسلمانان از

مجاهدین را صادر کردند و این پیام به زبان های دیگر ترجمه گردید و در سطح گسترده ای در ممالک اسلامی منتشر شد).

وی در نجف همواره مورد تعقیب و تحت پیگرد استخبارات عراق قرار گرفت. از این رو در سال ۱۳۶۲ ش، به قصد حج خانه خدا از عراق خارج شد و پس از اعمال حج، در سوریه اقامت گزید و در تأسیس حوزه علمیه امام خمینی، نقش به سزایی ایفا کرد. وی پس از ده ماه به ایران آمد و پیوسته برای انسجام و وحدت گروه های مبارز شیعی افغانستان اهتمام ورزید و در سال ۱۳۶۴ ش برای خاموش کردن آتش اختلاف و جنگ داخلی، مردانه قد علم کرد و در کشورش به فعالیت های بسیار پرداخت و تا دورترین نقاط و پرخطرترین سنگرها با پای پیاده رفت و دسته های متخاصم را به تفاهم و برادری فراخواند که نتیجه آن صلح مناطق مرکزی و شمال (۱۳۶۵ ش) و صلح جاغوری (۱۳۷۳ ش)، تأسیس

درگذشت آیت الله شراره



فقیه معظم حضرت مستطاب آیت الله شیخ موسی شراره عاملی، یکی از فقیهان و ادیبان و دانشمندان مشهور لبنان، به شمار می رفت. وی در ۱۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ ق، در نجف اشرف، در بیت علم و تقوا و فضیلت زاده شد. پدرش حجة الاسلام شیخ عبدالکریم شراره (۱۲۹۷-۱۳۳۲ ق)، از شاگردان آیات عظام: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و جدش آیت الله علامه شیخ موسی شراره (۱۲۶۷-۱۳۰۴ ق) از شاگردان: حاج ملا علی کنی، شیخ محمد حسین کاظمی، شیخ محمد طه نجف و آخوند خراسانی و ملا حسینقلی همدانی و صاحب کتاب هایی در فقه، اصول، کلام و شعر و از پیشوایان بزرگ شیعه در جبل عامل بوده است. او در چهار سالگی (۱۳۳۰ ق) به همراه پدرش به «بنت جبیل» - یکی از مناطق جبل عامل - بازگشت و پس از درگذشت پدر بزرگوارش در ۱۳۳۲ ق، تحت تربیت مادرش به تحصیل علوم دینی روی آورد و قرائت قرآن، تجوید و ادبیات عرب را در همانجا فراگرفت. سپس در سال ۱۳۴۵ ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و

امیرالمؤمنین در دامنه های کوه قورق بود. او برای تحصیل و درس آموزی جوانان افغانی گام های بلندی برداشت و به راه اندازی و اداره مدارس علمیه توحید - در قم - و خاتم الانبیا در مشهد مقدس دست یازید که گروهی بسیار از جوانان و طلاب متدین افغانی پرورش یافته مدارس و مکتب وی اند. او خود روزانه به تدریس سطوح عالی (مکاسب و کفایه) و خارج فقه می پرداخت و گروهی از فضلا را پروراند. برخی از آثار آن عالم بزرگوار عبارتند از:

۱. حوار حول المهدی الفاطمی
۲. آراء الذرین (حول الذرة والحركة)
۳. الشبهات حول المعتقدات (پرسش ها و پاسخ ها)
۴. منتهی المطالب فی شرح المكاسب (که همه به چاپ رسیده است).
۵. شرح کفایة الاصول
- ۶ و ۷. تقریرات درس فقه و اصول آیت الله العظمی خوبی
- ۸ و ۹. تقریرات درس فقه و اصول آیت الله سید محمد باقر صدر
۱۰. خاطرات دوران جهاد

آن فقیه بزرگوار، پس از عمری تلاش در راه اعلای کلمه توحید و ترویج مکتب تشیع، در سحرگاه چهارشنبه ۲۲ مهرماه ۱۳۷۷ ش (۲۳ جمادی الثانی ۱۴۱۹ ق) در ۵۹ سالگی بدرود حیات گفت و پیکر پاکش در عصر جمعه ۲۴ مهرماه پس از تشییعی باشکوه و نماز آیت الله وحید خراسانی - دام ظلّه - بر آن، در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

\*

شورای روحانیت مشترك احزاب برای اداره کل هزاره جات، نصب قضات برای حل مشکلات مردم، دستور آزادی اسیران و زندانیان و قطع جنگ های داخلی بود. وی در راستای وحدت و همبستگی اسلامی، از مؤسسان حزب وحدت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی نظارت و از اعضای شورای عالی قیادی دولت موقت افغانستان، بود و همواره از عزت و عظمت شیعه حمایت کرد و در تلاش برای حضور مقتدرانه شیعیان در صحنه سیاسی افغانستان، به کوشش در جهت اشتراك شیعیان در شورای مشورتی لاهورپندی، جاناندازی اندیشه رسمیت مذهب جعفری در قانون اساسی آینده در شورای عالی قیادت، ایجاد هماهنگی در میان سران احزاب جهادی شیعه و سنی، نمایندگی شیعیان در مذاکرات ایران، پاکستان و عربستان، اقامه نخستین نماز جمعه در کابل، تلاش های صلحجویانه در نبردهای پایتخت، و بسیج شیعیان برای دفاع از مکتب جعفری پرداخت و در این راستا مصرانه بر احقاق حقوق شیعیان در شورای عالی قیادی دولت موقت، پافشاری می کرد.

وی در کنار این مجاهدات و کوشش های پیگیر سیاسی، لحظه ای از فکر محرومان و یتیمان جامعه نیاسود و برای رسیدگی و سرپرستی خانواده های بی سرپرست و نیازمند، دارالایام و مؤسسه خیریه خاتم الانبیا را در داخل افغانستان و برخی از شهرهای ایران بنیاد نهاد که به خدمات چشمگیری توفیق یافت و در صدد راه اندازی حوزه علمیه خاتم الانبیا در کابل و شهرک

با تلاش و کوشش بسیار همراه با شریک بحثش علامه بزرگوار شیخ محمد جواد مغنیه در درس منطق برادرش: علامه شیخ محسن شراره (۱۳۱۹-۱۳۶۵ق) و درس مطول شیخ محمد علی قبلان و شیخ محمد علی صندوق، شرکت جست و فوائد الاصول و کفایة الاصول را نیز نزد آیت الله سید حسین حمّامی و شیخ عبدالکریم مغنیه و سطح فقه (شرح لمعه، شرایع و مکاسب) را نزد حضرات آیات: شیخ عبدالرسول جواهری، شیخ محمد حسین کربلانی و سید محمد حسین کشمیری فرا گرفت. آنگاه به درس خارج فقه و اصول آیات عظام: سید جمال الدین گلپایگانی، سید ابوالقاسم خوبی، سید حسین حمّامی و شیخ عبدالرسول جواهری حاضر شد و سالیان بسیار از مجلس فیض آنان بهره ور شد و در عالم علم به مقام والایی دست یافت و از اساتیدش موفق به کسب اجازات متعدد اجتهاد گردید. وی به مدت هشت ماه به وکالت از سوی آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی به حمزه شرقی رفت و به تبلیغ دین پرداخت. سپس در سال ۱۳۶۰ ق به تقاضای آیت الله شیخ حبیب آل ابراهیم عاملی به لبنان بازگشت و در منطقه «هرمل» به تعظیم شعائر دینی (اقامه جمعه و جماعت، تدریس، تربیت شاگردان، تالیف کتب و تأسیس مدارس، مساجد و حسینیه ها) پرداخت. وی از کسانی بود که برای ترویج دین رنج سفر را بر خویش هموار می کرد و در روستاها و کوهپایه های «هرمل» به ارشاد مردمان می پرداخت. او در این سال ها به اجرای عقود و ایقاعات و فصل

خصوصیات و رفع دعاوی پرداخت و از بام تا شام به کار گره گشایی و حل مشکلات شیعیان اشتغال داشت. بنیاد یازده مسجد، چهار حسینیه و دبیرستان «الامام علی» - علیه السلام - که به آموزش دروس جدید به جوانان شیعه می پرداخت (بسیار جالب توجه است که یک عالم شیعی در پنجاه سال پیش برای نجات نسل جوان از افکار ضد دین به تأسیس مدارس جدید دست می زند.) از جمله اقدامات اوست. وی به حرکت حزب الله و اعضای آن بسیار احترام می نهاد و جوانان را به شرکت در جهاد ضد صهیونیستی تشویق و ترغیب می نمود. وی هر روز ورزش می کرد و او را در اذکاری داشت که بر انجام روزانه آنها اصرار داشت.

سراسر زندگی اش زهد و قناعت، تواضع و فروتنی و تقوای الهی بود و از سر تواضع، اجازات اجتهادش را به کسی نشان نمی داد.

از جمله تألیفات وی - به غیر از دیوان شعرش - که ویژگی ممتاز «آل شراره» شعر و ادب است - اینهاست:

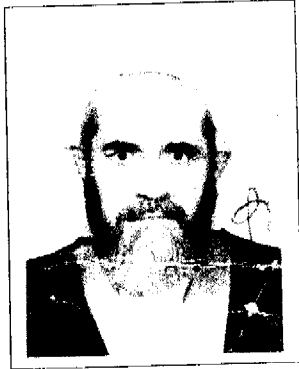
۱. شرح منظومه اصول فقه (سروده جدش آیت الله شیخ موسی شراره)
۲. شرح منظومه ارث (سروده همو)
۳. رساله در قضا و غیبت
۴. تقریرات درس فقه آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی

آن عالم بزرگوار در روز دوشنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۴۱۹ ق (۲۹ تیرماه ۱۳۷۷ ش) پس از ۹۳ سال زندگی بابرکت، در اثر بیماری بدروود حیات گفت. با اعلام خبر وفات وی، منطقه «بقاع» و جنوب لبنان در ماتمی سخت فرو رفت و پرچم های سیاه

در همه جا برافراشته شد. پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه در «مدرسه الامام علی» - در هرمل - به خاک سپرده شد و مجالس یادبودش تا مدت ها ادامه یافت و مقالات و اشعار بسیار در رثای وی سروده شد.

\*

### در گذشت آیت الله جعفری



فقیه بزرگوار حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد صادق جعفری - قدس سره - یکی از اعظم علمای تهران به شمار می رفت. وی در سال ۱۳۵۴ ق، در بیت علم و تقوا و فضیلت، در نجف اشرف زاده شد. پدرش مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ نصرالله اشکوری (۱۳۰۰-۱۳۶۴ ق)، یکی از اعظم شاگردان آیت الله العظمی میرزای نائینی و از مدرسین معروف سطوح در حوزه نجف بود. آن فقیه بزرگوار، پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در سیزده سالگی به فراگیری علوم دینی روی آورد و مقدمات و ادبیات را بخوبی نزد اساتید آموخت. سپس در محضر حضرات آیات: حاج میرزا علی فلسفی تنکابنی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا کاظم تبریزی، حاج سید علی فانی اصفهانی، شیخ مجتبی لنگرانی و شیخ صدرا بادکوبه ای زانوی ادب به زمین زد و سطوح عالی را

فراگرفت. در سال ۱۳۷۷ ق به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: حاج سید ابوالقاسم خویی و حاج سید محمد روحانی راه یافت و مبانی فقه و اصول و رجال خویش را استوار ساخت و همزمان به تدریس رسائل و مکاسب و کفایه پرداخت و بسیاری از فضلا را در دامان خویش پرورد و مسؤولیت پاسخگویی عربی استفتائات آیت الله خویی را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۹۱ ق بر اثر فشار رژیم بعثی عراق، به تهران آمد و به تدریس فقه، اصول، تفسیر و کلام اسلامی پرداخت و گروه بسیاری از علما و روحانیان و دانشگاهیان در این درس ها شرکت جسته و از علوم بسیارش بهره بردند.

وی علاوه بر تدریس، سال های فراوان به تبلیغ دین و تعظیم شعایر الهی از راه وعظ و ارشاد در هیئت عزاداران حسینی و هیأت زینبیه پرداخت و گروهی از مردمان متدین را پرورش داد. وی علاوه بر اداره جلسات متعدد، در سال ۱۳۵۰ ش همراه با گروهی از علمای تهران، مؤسسه جهانی خدمات اسلامی را در جهت ترویج مکتب شیعه بنیاد نهاد که خدمات ارزشمندی را در جهت معرفی شیعه در سطح جهان ارائه داده است.

برخی از تألیفات ایشان عبارتند از:

۱. تفسیر قرآن کریم (۲ ج. تا اواسط سوره بقره) - آماده چاپ.

۲. بحث امامت (به صورت کپی، تکثیر شده است).

۳. رساله در نماز جمعه.

۴. الفقه والاجتهاد من وجهة نظر الشيعة (در کنگره شیخ مفید به چاپ رسید).

۵. شرح عروة الوثقی - کتاب الطلاق.

۶. رساله در عدالت.

۷. رساله در لباس مشکوک.

۸. رساله در قاعده لاتعاد.

۹. ضوابط بررسی و تدوین تاریخ اسلام - آماده چاپ.

۱۰. معنی شناسی در مکتب آخوند خراسانی. تقریرات درس کفایه ایشان (مباحث الفاظ) - آماده چاپ.

۱۱. تقریرات درس خارج اصول وی - آماده چاپ.

۱۲. المرتقی الی الفقه الارقی. تقریرات درس زکاة آیت الله روحانی - ۳ ج - به چاپ رسیده است.

۱۳. تقریرات درس اصول آیت الله خویی.

۱۴ و ۱۵. تقریرات درس فقه آیت الله خویی (طهارت و صلاة)

۱۶ و ۱۷. تقریرات درس فقه آیت الله روحانی (خمس زبر چاپ)، حج، صوم (آماده چاپ)، مکاسب محرمة، بیع، خیارات.

۱۸. تقریرات درس اصول آیت الله روحانی

آن فقیه بزرگوار در ۶۵ سالگی، در پنجشنبه ۴ جمادی الاولی ۱۴۱۹ ق (۳ شهریور ۱۳۷۷ ش) بدرود حیات گفت و پس از تشییعی شایسته و نماز آیت الله وحید خراسانی بر پیکر پاکش، در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

ناصرالدین انصاری قمی

\*

در گذشت آیت الله شیخ محمد بروجردی آیت الله حاج شیخ محمد بروجردی از دانشمندان بزرگ و برجسته خطه لرستان و از مشاهیر عالمان شهرستان بروجرد بود.

پدرش مرحوم حضرت آیت الله ملا عبدالله بروجردی از شاگردان ملا اسدالله بروجردی و شیخ محمد بافر اصفهانی و یکی از اساتید مرجع عالی قدر مرحوم آیت الله سید حسین بروجردی (در مقطع سطح) بود که در ۲۸ صفر ۱۳۲۹ ق در بروجرد چشم از جهان فرو بست در حالی که فرزندی در راه داشت.

محمد در همان سال در بروجرد زاده شد و پس از رشد و سپری کردن دوران کودکی، تحت سرپرستی برادر ارشد و همنام خود (آیت الله مرحوم شیخ محمد بروجردی) دوره ابتدایی را در دبستان جمال به پایان رسانید، آنگاه وارد حوزه علمیه آن شهرستان شد.

وی دروس مقدماتی و برخی از کتب ادبیات را از محضر حجة الاسلام والمسلمین شیخ حسین آقا ابو فراگرفت در اثر استعداد فراوانی که داشت در سن شانزده سالگی (یعنی سال ۱۳۴۵ ق) به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس را تحت نظارت خواهر فاضله خود و نزد اساتیدی همچون: میرزا محمد علی ادیب تهرانی و شیخ علی اصغر صالحی کرمانی به انجام رسانید. شرح لمعه را نزد مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و رسائل را نزد آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی و مکاسب شیخ انصاری را از محضر آیت الله سید محمد تقی خوانساری و کفایة الاصول را در

خدمت آیت الله میرزا محمد همدانی آموخت.

نخستین درس خارج که ایشان در آن شرکت جست، بحث خارج اصول بر مبنای کتاب درر الاصول بود که از محضر نویسنده آن کتاب گرانسنگ یعنی حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره می برد و با فرزند ارشد استاد خود (یعنی حضرت آیت الله مرحوم حاج آقا مرتضی حائری) درس مذکور را مباحثه می کرد.

مرحوم شیخ محمد بروجرودی در دروس خارج حضرات آیات: سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبائی بروجرودی و شیخ محمد علی اراکی نیز شرکت جست و از معارف و علوم آن بزرگان بهره ها جست. وی علاوه بر کسب دروس فقهی و اصولی، از دروس حکمت و اخلاق آیات عظام شیخ محمد علی شاه آبادی و شیخ روح الله کمالوند خرم آبادی، و نیز دروس فلسفه رهبر معظم انقلاب، امام خمینی و آیت الله حاج میرزا خلیل کمره ای فیض گرفت.

مرحوم بروجرودی پس از کسب علوم و طی مراحل عالی در حوزه قم مدتی چند در حوزه علمیه نجف اشرف اقامت کرد و از محضر آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی بهره مند گردید. ایشان پس از بازگشت به زادگاه خود، به نشر معارف الهی و به تدریس علوم اسلامی پرداخت. چند سالی هم در مسجد رنگینه - که از آثار پدر بزرگوار خود بود - به اقامه جماعت و هدایت مردم اشتغال داشت، آنگاه نماز جماعت را در مسجد جامع بروجرود اقامه

کرد. وی علاوه بر تدریس علوم دینی (فقه و اصول)، مباحث اخلاقی و کتاب شریف نهج البلاغه و کتب علمی دیگر را نیز تدریس می کرد، و جمع کثیری از جوانان و نوجوانان و سایر مؤمنین از بیانات برفیض ایشان بهره می بردند. نامبرده در سال های آخر عمر خود به تدریس خارج پرداخت.

همچنین دانشکده پرستاری در اسلام آباد بروجرود، در مانگاه خیریه و کتابخانه آستان قدس رضوی در بروجرود با بیش از ۲۰ هزار جلد کتاب از اعمال نیک آن رادمرد است.

وی همه روزه - صبح و بعد از ظهر - به رفع احتیاجات نیازمندان و مشکلات سایر مؤمنین می پرداخت و با بیان حقایق الهی و مشارکت در امور خیریه و عبادی و نوشتن مطالب علمی و اخلاقی در خدمت اسلام و مسلمین بود و با وجود کهولت سن و کسالتی که بر ایشان عارض شده بود، در انجام امور مذکور همواره کوشا بود.

آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:

۱. اخلاق جاویدان.
۲. مرد ناشناخته.
۳. اصول فقه (خطی).
۴. رساله توضیح احکام.
۵. مغنی المغنی فی الفقه علی المذاهب الخمسة. دو جلد از این کتاب که شامل کتاب طهارت و کتاب صلاة است، در حدود هزار صفحه به چاپ رسانید و جلد سوم آن زیر چاپ است. این کتاب در حقیقت حاشیه ای است بر کتاب «المغنی فی الفقه علی المذاهب الأربعة» از آثار قلمی موفق الدین شیخ

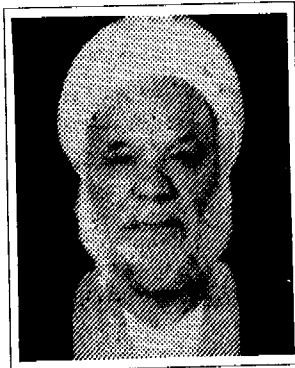
عبدالله بن احمد معروف به ابن قدامه. مرحوم بروجرودی سعی و تلاش زیادی نمود که آرای مذهب شیعه امامیه در سایر مسائل فقهی به طور مفصل و به صورت روشن و مستدل بیان کند و این کتاب را به صورت «فقه مقارن» در آورد.

ایشان در روز سه شنبه اول جمادی ثانی ۱۴۱۹ ق مطابق با ۳۱ شهریور ۱۳۷۷ ش در ۹۰ سالگی در بروجرود چشم از جهان فرو بست و مردم آن شهر را در سوگ نشاند. پیکر پاک ایشان صبح روز چهارشنبه با حضور جمعی از علما و روحانیون قم، تهران و لرستان، ائمه جمعه و جماعت استان لرستان و جمعی از مسؤولین استان و شهرستان بروجرود و اقشار مختلف مردم منطقه، طی مراسم باشکوهی از مسجد جامع شهر تشییع و در کنار تربت پدر دانشمند خود در جوار مسجد رنگینه بروجرود به خاک سپرده شد.

\*

در گذشت علامه محقق

شیخ محمد جواد نجفی



حاج شیخ محمد جواد نجفی از نویسندگان و عالمان بزرگ معاصر در سال ۱۳۴۲ ق در روستای «فرنق» از توابع خمین متولد شد. وی در سن هیجده سالگی تحصیل علوم

درگذشت علامه شیخ محمد حسن

مولوی قندهاری



حاج شیخ محمد حسن مولوی در هفدهم ربیع الاول سال ۱۳۱۹ هـ. ق (۱۲۷۶ ش.) در خانواده ای مذهبی در شهر قندهار دیده به جهان گشود. پدرش میرزا محمد اکبر و پدر بزرگش آقا یوسفعلی اصالتاً اهل شیراز بودند و سال ها بعد به افغانستان مهاجرت کردند.

آغاز جوانی وی به فراگیری مقدمات علوم دینی سپری شد و از همان اوان به وعظ و ارشاد و هدایت مردم اشتغال ورزید و همواره در خدمت دین مبین و شرع امسین بود. در آن دیار نمایندگی تام الاختیاری از طرف مرجع و فقیه بزرگ جهان تشیع حضرت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (قدس سره) و نیز از سایر علمای بلاد آن زمان اجازاتی داشت. وی در سال ۱۳۷۹ ق به شهر علم و عرفان نجف اشرف مهاجرت کرد و به تکمیل و تهذیب نفس و پرورش روح و دستگیری و ارشاد طالبین پرداخت. ایشان همچنین به تألیف و تصنیف و سرودن اشعار علاقه داشت و توانست آثار ارزشمندی نیز از خود به یادگار بگذارد. اقامت او در جوار مولای متقیان امیر مؤمنان - علیه السلام - چند سالی

از نجفی.

۱۲. زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع).

۱۳. زندگانی سفیر جلیل حضرت مسلم بن عقیل (ع).

۱۴. زندگانی مختار ثقفی.

۱۵. زندگانی سید میر محمد بن موسی بن جعفر (ع) (تلخیص و تنظیم از نجفی، اثر از شاملی شیرازی).

۱۶. سرگذشت حضرت قمر بنی هاشم (ع).

۱۷. مصلح جهان حضرت مهدی صاحب الزمان (عج).

۱۸. اختران جالب درباره شرح حال امامزادگان و علمای آل ابی طالب که تلخیص و تنظیمی است از نگاهسته نویسنده محقق مرحوم حاج شیخ ذبیح الله محلاتی.

۱۹. ترجمه جلد دهم بحار الانوار به فارسی (در احوالات حضرت فاطمه زهرا (ع)).

۲۰. ستارگان درخشان، این کتاب چهارده قسمت آن است که در آن شرح حال چهارده معصوم (علیهم السلام) به صورت روان و ساده و قابل فهم برای عموم به قلم آمده است.

۲۱. تفسیر آسان. تاکنون شانزده جلد از این اثر به چاپ رسیده است.

این عالم ربانی و محقق گرانقدر، پس از ۷۷ سال عمر با برکت، روز سه شنبه سوم شهریور، ۱۳۷۷ ش. مطابق با دوم جمادی اول، ۱۴۱۹ ق درگذشت.

\*

دینی را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۲ ق جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه اراک رفت و در مدرسه حاج محمد ابراهیم با سرپرستی مرحوم حضرت آیت الله سید کاظم گلپایگانی (کوشا) نزد اساتید بزرگواری ادبیات و مقدمات علوم دینی را آموخت. تحصیلات عالی خود را در زمینه فقه، اصول، تفسیر و معقول در تهران به پایان رسانید و در ضمن به وعظ و ارشاد و هدایت و تألیف پرداخت. ایشان از حضرات آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، سید ابوالقاسم خوئی و سید محمد هادی میلانی سمت نمایندگی و نیابت امور شرعیه داشت.

آثار قلمی استاد که اغلب آنها در تهران به چاپ رسیده، به شرح زیر است:

۱. لطائف الصلوة.

۲. مصباح الشیعة.

۳. بهداشت اسلام از نظر علوم امروزی.

۴. فلسفه احکام اسلام از نظر علم امروز.

۵. خواص خوراکی ها و گیاهان از نظر اسلام و علوم جدید.

۶. ترجمه کتاب ملاحم و فتن (از ابن طاووس).

۷. ترجمه دیوان حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۸. ترجمه اثبات الوصیه (از مسعودی).

۹. ترجمه کتاب المهدی (عج) (از آیت الله صدر).

۱۰. زندگانی حضرت زینب کبری (ع).

۱۱. زندگانی محمد بن حنفیه.

تألیف شاملی شیرازی، تلخیص و تنظیم

طول کشید و در این مدت توانست از محضر آیات عظامی چون: میرزا محمد حسین نائینی، آقا ضیاء عراقی، آقای قاضی، شیخ محمد حسین کاشف الغطا و سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌های علمی جوید. وی پس از مدت تحصیل از سوی همین مراجع عظام به عنوان وکیل تام‌الاختیار روانه کشورهای هند، پاکستان و افغانستان شد و طی چهل سال اقامت در این کشورها، خدمات شایان توجهی ارائه کرد.

مرحوم مولوی پس از چهل سال، مجدداً راهی عتبات شد و این بار از محضر آیاتی چون: حاج سید ابراهیم اصطهباناتی، سید حسین حمامی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی و سید عبدالله شیرازی - اعلی الله مقامهم الشریف - کسب فیض کرد.

در سال ۱۳۹۱ق در اثر فشارهای دولت عراق، جهت بیرون راندن ایرانیان آن مرحوم نیز به سمت ایران مهاجرت کرد و در جوار امام هشتم شیعیان - علیه السلام - در ارض اقدس خراسان اقامت گزید و به وظایف دینی و علمی خود ادامه داد.

وی مجلس درس اخلاق و معارف الهی را هر روز در منزل خسود واقع در جوار امامزاده گنبد خشتی برگزار می نمود و سیل مشتاقان همچنان تا آخرین روزهای حیات، به خانه ایشان سرازیر بود و مردم از انقباس و برکات آن رادمرد بهره مند

می گردیدند.

وی به ادبیات و اشعار عرب علاقه وافری داشت. اشعار بسیاری از بزرگان ادب را به خاطر سپرده بود و از آنها به عنوان شاهد نصیحت و پند می خواند. خود او نیز در مناسبات مختلف اشعاری به زبان فارسی می سرود و «حسن» تخلص می کرد.

آثار قلمی استاد به شرح زیر است:

۱. بیست و ششم رجب: قصیده ایست به زبان فارسی که در احوالات امام همام علی بن ابی طالب - علیه السلام - سروده شد، و چند مرتبه چاپ شده است.
۲. جوان مرد پرنده، در شرح حال حضرت جعفر طیار - رضی الله عنه - که به صورت منظوم چاپ شده است.
۳. فهرست مراقد مقدسه شام و حلب و شرق اردن که به صورت منظوم در اوایل انقلاب به چاپ رسیده است.
۴. شکایات منظوم، قصیده ای است به زبان فارسی در شرح و توضیح شکایات نماز و فروع آن.
۵. غبار نجف، کتابی است به زبان فارسی که درباره حقیقت معاد جسمانی به صورت مفصل و استدلالی به رشته تحریر درآورده است.
۶. کوه یاقوت، رساله ای است که درباره تاریخ و عظمت کعبه شریفه نوشته شده و در پایان رساله نیز منظومه ای در مناسک و اعمال حج سروده است.
۷. گلزار قندهار، کتابی است درباره

مزارات متبرکه موجود در قندهار و مناطق مجاور آن که در دو جلد به چاپ رسیده است.

۸. طاووس أهل الجنة فی الآیات النازلة بالامام الحجة (عج).
۹. روضات الفردوس فی مزارات العراق.
۱۰. آب سناباد در مسدایح أهل بیت (ع).
۱۱. شانزده مقاله در حل مسائل مشکل.
۱۲. رسالة السبع المثانی، در تفسیر سورة حمد.
۱۳. نظم زیارة الجامعة.
۱۴. ایمان ابوطالب (رض).
۱۵. تربت کربلاء.

این عالم ربانی و فاضل صمدانی سرانجام پس از عمری پربار و پس از یک قرن مجاهدت و ارشاد سرانجام در ربیع ثانی/ ۱۴۱۹ق مطابق با مرداد/ ۱۳۷۷ش در پی یکدوره بیماری کوتاه مدت در مشهد مقدس چشم از جهان فرو بست و به ملکوت اعلا پیوست. پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه و اقامه نماز توسط آیت الله شیخ محمد تقی بهجت - دام ظلّه - در جوار مولانا ثامن الحجج - علیه السلام - در صحن مطهر آن حضرت به خاک سپرده شد.

عبدالحسین جواهر کلام

\*

## انتشار نشریه علوم سیاسی



مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به منظور نیل به هدف‌ها و برنامه‌های فرهنگی خود فصلنامه علوم سیاسی را منتشر نموده است.

فصلنامه علوم سیاسی، عهده‌دار عرضه‌ی تازه‌ترین دستاوردهای قابل طرح پژوهشگران در گستره‌ی مباحث مذهبی-سیاسی و در قالب گفتگوها و مقاله‌های علمی است.

محتوای فصلنامه علوم سیاسی، شامل انتشار تازه‌ترین مباحث فکری-سیاسی در قلمرو اندیشه اسلامی، آشنایی با متون فقهی-سیاسی علمای امامیه و در نهایت معرفی کتاب‌ها و مقاله‌های جدید در رشته علوم سیاسی از صاحب‌نظران داخلی و خارجی است.

صبغه دینی مسائل سیاسی مطرح شده در فصلنامه از ویژگی‌های منحصر به فرد آن است. سؤالاتی نظیر تعریف سیاست، حکومت اسلامی، انقلاب اسلامی،

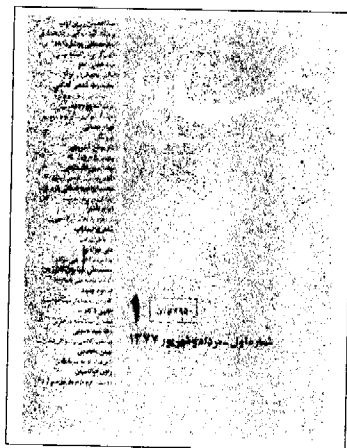
حدود و وظایف درست اسلامی، حدود و ثغور مشارکت مردم در نظام اسلامی، و ... و اینکه موضوعات فوق چگونه بر بنیاد شریعت قابل تبیین و درک هستند، از جمله دغدغه‌های مهم این فصلنامه است.

برخی از مطالب شماره نخست آن عبارتند از: سیاست و حکومت از دیدگاه فقهای امروز، مفهوم مشارکت سیاسی، مفهوم آزادی در فقه سیاسی شیعه، اندیشه سیاسی علامه طباطبائی، فقه و رهبری در اندیشه سیاسی فارابی، زن و مشارکت سیاسی، نوسازی و سنت، دین و حکومت و ...

مدیر مسؤول فصلنامه حجة الاسلام والمسلمین سید محمد تقی آل‌غفور است و سردبیری آن را داوود فیرحی، به عهده دارند.

\*

## انتشار مجله بخارا



عاقبت سخنانی را که «کلک» بر نمی‌تافت، راه به «بخارا» گشود و کاروان سخن پس از

خستگی‌های فراوان در بخارا یکی از سرمنزل‌های اصلی زبان فارسی، رحل اقامت افکند. گویا از باب کلک راه به سوی آبادی دیگری می‌جسته‌اند و سردبیر سمت و سوی دیگر داشته و پس از چندی تعلیق، هر یک سر خویش و حلقه خویش گرفتند.

در سرمقاله شماره نخست «بخارا» به اجمال از افت و خیز و گیر و دار این جا به جایی و دلایل این جدایی سخن رفته است و تفصیل ماجرا به «کارنامه کلک» وانهاد شده است. سردبیر محترم در همین سرمقاله اظهار امیدواری می‌کند که در بخارا شکل متعالی خواسته‌هایمان را عرضه کنیم و می‌کوشیم تا مزایای جدیدی بر کارمان بیفزاییم. هدف این مجله همچنان حفظ و توسعه زبان فارسی و مباحثی است که به آن مربوط می‌شود.

عنایت ویژه اهل قلم و دوستانان قدیمی کلک، به شماره نخست «بخارا» از همین شماره نخست پیداست. نگاهی به عناوین این شماره، گواه این ادعا تواند بود.

مجله پس از مقاله و ذکر اسامی بخارا به نقل از «تاریخ بخارا» به شعری بسیار زیبا از دکتر شفیعی کدکنی مزین است، به نام «شادی آغاز» که برآستی در آغازین شماره یک مجله می‌تواند شادی آفرین باشد.

در بخش مقالات فرهنگی، این مقالات را می‌خوانیم: فرهنگ چند صدایی و فرهنگ تک صدایی از دکتر